



۳۰ دی ماه ۱۴۰۰، استان یزد



تأثیر وجوه شخصیتی خدیجه (س) در همراهی ایشان با پیامبر (ص)

زهرا عبادی^۱

چکیده

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) برای اصلاح عقیدتی، اخلاقی، و مبارزه با مفسد اجتماعی راهی دشوار در پیش داشت، در حالی که اغلب جامعه در قالب تکفیر یا نفاق روبه روی ایشان قرار گرفته بودند. در این شرایط همسران ایشان، هم به عنوان یک زن و هم به عنوان یک همسر، نقش مؤثری در تحولات جامعه به عهده داشتند. از جمله تأثیرگذارترین آنها ام المؤمنین خدیجه کبری (سلام الله علیها) را می توان نام برد. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی توصیفی با هدف شناخت بیشتر حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به عنوان الگویی فرازمانی و فرامکانی صورت گرفته و در صدد پاسخ به این سؤال است که وجوه شخصیتی خدیجه کبری (سلام الله علیها) چه نقشی در همراهی ایشان با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) داشته است. در نهایت این نتیجه حاصل شد که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بانویی آگاه و پاکدامن بود که بصیرت و اندیشه‌ای ژرف داشت و با حمایت‌های روحی، عاطفی و اطاعت همه‌جانبه از رسول خدا، بدون هیچ چشم‌داشتی در مسیر حق کوشید، و با بذل اموال خود باعث حفظ یاران اسلام در مقابل دشمنان و زمینه‌ساز شکوفایی اسلام بود. البته آنچه خدیجه را خدیجه کرد تنها برخورداری از اموال و اوصاف نیکو و تن ندادن به فرهنگ جاهلی نبود، بلکه بهره جستن از آنها در مسیر حق بود.

کلمات کلیدی: ام المؤمنین، خدیجه، وجوه شخصیتی، بینش، پیامبر، همراهی.

^۱ طلبه سطح سه، مؤسسه آموزش عالی حوزوی حضرت عبدالعظیم (علیه السلام).

۱- مقدمه

جهان اسلام از عایشه، همسر پیامبر، به عنوان ام المؤمنین یاد کرده و با احادیثی منسوب به او به تحلیل دوران صدر اسلام پرداخته و از نگاه او سعی در شناختن پیامبر (صلی الله علیه و آله) کرده است، در حالی که متأسفانه در شناخت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) اولین همسر پیامبر، به مختصر آشنایی، بسنده کرده است. این در حالی است که خدیجه، قبل از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) یعنی در سال‌های جاهلیت، زندگی خود را با پیامبر آغاز کرده است. سالهایی که کرامت زنان نادیده گرفته می‌شد، دختران زنده به گور شده، فساد، فحشا، خرافه و شرک رایج و مرسوم بوده و سراسر جامعه را فرا گرفته بود. رفتار و اعمال خدیجه کبری در این دوران نشانگر شخصیت والای ایشان است چرا که او هرگز دامن خود را به این مسائل آلوده نساخت و به عنوان طاهره قریش الگوی زنان، و به عنوان تاجری موفق الگوی مردان هم‌عصر خویش بود. و در طی ۲۵ سال زندگی مشترک با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همه جانبه از ایشان پشتیبانی می‌کرد.

خدیجه، به دلیل موقعیت اجتماعی و خانوادگی، و خصوصیات شخصیتی منحصر به فرد خود، نقش بسزایی در جامعه اسلامی ایفا کرده است. لذا شناختن جایگاه و مقام این بانو به عنوان ام المؤمنین، بر جهان اسلام ضروری بوده و غفلت از شناخت این بانوان تأثیرگذار در اسلام، مناسب نیست.

وجوه شخصیتی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، آنچنان والاست که به خودی خود موضوعیت دارد. این مقام والا به واسطه همسری پیامبر عظیم‌الشأن و حتی به واسطه مادر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بودن، بدست نیامده است. هرچند همسر نبی بودن بالاترین فضیلت، و امّ الائمه بودن، برترین شرافت است؛ اما باید دید خود این بانو چگونه شخصیتی داشته که خداوند او را شایسته همسری پیامبر و مادری دخترش کرده است. در این پژوهش سعی شده ابتدا به برخی از وجوه شخصیتی خدیجه کبری از جمله منزلت خانوادگی، آگاهی و اطلاعات، پاکدامنی، نواندیشی، عاطفی بودن و جمال ظاهر و باطن پرداخته شود، تا از رهگذر آن به تأثیر شخصیت والای خدیجه (سلام الله علیها) در همراهی وی قبل و بعد از بعثت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در امر خطیر رسالت، دست یافت.

۱-۱- مفاهیم نظری تحقیق

از جمله مفاهیم این پژوهش واژه «شخصیت»، معادل کلمه *personality* از ریشه لاتین پرسونا به معنای نقاب است. در رم باستان و یونان بازیگران تئاتر نقابی بر صورت خود می‌گذاشتند. وجه تسمیه این نامگذاری

اشاره دارد به اینکه شخصیت هر فرد مانند نقابی است که بر صورت خود می‌زند تا او را از دیگران تمییز دهند. هر فرد از لحاظ رغبت، استعداد و انگیزه با سایر افراد متفاوت است. بخشی از این تفاوت از شخصیت افراد سرچشمه می‌گیرد. شخصیت بر رفتار و عمل فرد آنچنان تأثیری می‌گذارد که در تصمیمات او کاملاً مشهود است. در واقع شخصیت، الگوهای مشخصی از رفتار، تفکر، عاطفه و هیجان است که روش هر فرد در تعامل با پیرامونش را رقم می‌زند و معمولاً از ثبات و پایداری برخوردار است. (فقیهی، ۱۳۸۷، صص ۸۵؛ به نقل از اتیکسون، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۰۴)

۲- وجوه شخصیتی خدیجه

قطعاً شناخت تمام وجوه شخصیتی همچون خدیجه کاری بس دشوار است. بانویی که پیامبر اکرم با شنیدن نام وی، اشک بر گونه‌های مبارکش جاری می‌گشت و از او به بزرگی یاد می‌نمود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۱۱) لذا در حد وسع، به نکاتی از برخی وجوه شخصیتی این بانوی بزرگ اشاره خواهد شد.

۲-۱- منزلت خانوادگی

خانواده در شکل گرفتن شخصیت فرزند نقش بسزایی دارد. در مورد خدیجه (سلام الله علیها) نیز این امر صدق می‌کرد. پدر و مادر خدیجه هر دو از قریش بودند. کتب تاریخی درباره نسب او نوشته‌اند: «وَهِيَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدِ بْنِ أَسَدِ بْنِ عَبْدِ الْعُزَّى بْنِ قُصَيِّ بْنِ كِلَابِ بْنِ مِرَّةَ بْنِ كَعْبِ بْنِ لُؤَيِّ بْنِ غَالِبِ بْنِ فِهْرِ. وَأُمُّهَا: فَاطِمَةُ بِنْتُ زَائِدَةَ بْنِ الْأَصَمِّ بْنِ رَوَاحَةَ بْنِ حَجَرَ بْنِ عَبْدِ بْنِ مَعِيصِ بْنِ عَامِرِ بْنِ لُؤَيِّ بْنِ غَالِبِ بْنِ فِهْرِ» بنابراین نسب او با نسب پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از ناحیه پدری در «قصی» و از طرف مادر در «لوی» به هم می‌پیوندد. (الحمیری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۰؛ ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۸، ص ۱۴)

خویند پدر حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از بزرگان و شخصیت‌های برجسته‌ی قریش و پیرو آیین ابراهیم (علیه السلام) بود، او وضعیت مالی بسیار خوبی داشت و در بین مردم صاحب نام، و دارای احترام بسیاری

بود. او در دوره‌ی جاهلیت، بزرگ طایفه‌ی خود بود، و در جنگ فجار دوم، که قریش آماده جنگ با کنانه بود، ریاست طائفه اسد را به عهده داشت.^۱ (سبحانی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۹۳)

پدر بزرگ خدیجه، یکی از اعضای برجسته «حلف الفضول» بود؛^۲ پیمانی که پیامبر اسلام نیز قبل از بعثت به آن پیوست و همیشه به عضویت در آن افتخار می‌کرد، چون هدف آن پیمان، حمایت از مظلومان و دفاع از حق بود. (الحمیری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۱۳۳)

«فاطمه» مادر خدیجه (سلام الله علیها) در یکی از اصیل‌ترین خانه‌ها و خاندان‌های عرب از نظر حسب و نسب، دیده به جهان گشود، و با بهره‌وری از ثروت و امکانات زندگی، در کنار پدر و مادری نیک اندیش و آبرومند، پرورش یافت. از ویژگی‌های مادر ارجمند خدیجه (سلام الله علیها) این بود که، در آن شرایط که زنان و دختران در خاندان‌های ثروتمند و صاحب قدرت غرق در زرق و برق دنیا، هوا و هوس و در اسارت پرستش‌های ذلت‌بار و خرافی بودند، از سویی از ارزش‌های منفی و ناپسند اعلام بی‌زاری می‌کرد و از سوی دیگر دنیای وجود خود را به ارزش‌ها آراسته می‌ساخت و به دین و آیین پدران توحیدگرا و عدالت‌خواه خویش، حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیهم السلام) ایمان داشت. (کریمی فریدنی، ۱۳۸۳ش، ص ۹) حضرت خدیجه نیز راه والدین خود را در پیش گرفت و اصالت خاندان خود را حفظ کرده و همراه آنان بود.

۲-۲- آگاهی و اطلاعات

بانوی بزرگ تاریخ عرب و اسلام، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در آن روزگار تیره و تاریک جاهلیت از جمله بانوان صاحب بینش و منش بود، این آگاهی را - علاوه بر خاندان خود - مرهون هوش و درایت خود، و آشنایی با علماء و دانشمندان یهودی و نصرانی بود.

^۱ این جنگ را از آن رو فجار گویند که در ماه‌های حرام رخ می‌داد.

^۲ حلف الفضول هذا قبل البعث، و كان أكرم حلف و أشرفه؛ تداعت قبائل من قریش إلى حلف، فاجتمعوا له فی دار عبد الله بن جدعان ابن عمرو بن كعب بن سعد بن تیم بن مرّة بن كعب بن لؤی، لشرفه و سنّه، فكان حلفهم عنده: بنو هاشم، و بنو المطلب، و أسد بن عبد العزی، و زهره ابن كلاب، و تیم بن مرّة. فتعاقدوا و تعاهدوا علی أن لا یجدوا بمكّة مظلوما و... النهی عما كانت تفعله الجاهلیة من المحالفة علی الفتن، و القتال بین القبائل و الغارات.

۲-۲-۱- برخورداری از هوش و درایت

از ویژگیهای خدیجه (سلام الله علیها) اینکه از هوش، عقل و تدبیر سرشاری برخوردار بود، آنچنان که درباره ایشان گفته شده: «کانت خدیجه امراه حازمه لیبیه؛ خدیجه بانویی خردمند و خردورز بود». (اربلی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۱۳۲) در فضایی که جهل و بی سوادگی همه جا را گرفته بود، به ویژه زنان که از بیشتر مزایای زندگی محروم و طرد شده بودند، خدیجه (سلام الله علیها) دارای کمال، ادب، ایمان و عقل در سطح بالا بود.^۱ نمونه‌ی بارز هوش و درایت خدیجه را می‌توان در تن ندادن به فرهنگ جاهلیت، اشعار وی و روایت کردن حدیث از پیامبر دید.

۲-۲-۱-۱- نپذیرفتن فرهنگ جاهلیت: در حقیقت فرهنگ جاهلی فرهنگ تقلید بود؛ در این فرهنگ جایی برای عقل نبود، بلکه ملاک، قبول و نکول پدران و اقتدا به رسوم گذشتگان بود. فرهنگ جاهلی همه‌ی ارکان جامعه را جاهل کرده بود، از جمله اقتصاد جامعه را و اقتصاد جاهلی در محدوده ربا دور می‌زند، اما حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در آن فضای جاهلی فرهنگ عقلانیت را یافت و روی این اقتصاد جاهلی خط بطلان کشید، ثروت کلان ایشان نیازی به تجارت نداشت، ایشان می‌توانست با ربا که تجارت رسمی آن دوران بود، خود را اداره کند و خطر تجارت در راه‌های پر خطر شام و حجاز را نپذیرد؛ اما ایشان فرهنگ جاهلی و ربا را تحریم کرد، و مال التجاره خود را تحت اشراف پیامبر به سودآوری رساند.^۲ (جوادی آملی، ۱۳۹۵)

۲-۱-۲-۱- سرودن شعر: حضرت خدیجه (سلام الله علیها) چهره ادبی و ذوق سراینده‌ی داشت. اشعار و قصیده‌های مشحون از ظرافت‌های ادبی و معنوی او در شأن رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) که حدود پانزده سال قبل از بعثت سروده و خوانده، شاهد گویای این مطلب است:

فلو أننی أمسیت فی کل نعمه.....ودامت لی الدنیا و ملک الاکاسره
فما سویت عندی جناح بعوضه.....إذا لم یکن عینی لعینک ناظره

۱. «... وَ کانت مِن أَحْسَنِ النِّساءِ جَمالاً، وَ أَکْمَلَهُنَّ عَقْلاً، وَ آمْتَهُنَّ رَأیاً، وَ أَکْثَرَهُنَّ عِفَّةً وَ دیناً وَ حِیاءً وَ مُرُوءَةً وَ مالا؛ خدیجه در زیبایی زیباترین زن و از نظر خرد و اندیشه، خردمندترین و اندیشمندترین آنان بود. او در پاک‌روشی و پاک‌منشی، دین‌باوری و خداجویی، وقار و حیاء و عترت و آزادگی آراسته‌ترین‌ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان به شمار میرفت.» (محلّاتی، ج ۲، ۱۳۸۵ش، ص ۲۰۴؛ حائری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۳۲)

۲. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بانوی نمونه اسلام، کد خبر ۴۰۴۷۲۹، ۱۳۹۵/۰۳/۲۷، ۰۸:۰۶، سایت: <http://news.esra.ir>

«اگر من روز را در میان همه‌ی نعمت‌ها به شب رسانم، و دنیا و سلطنت شاهان بزرگ ایران، همیشه برای من باشد، اگر دیدگانم به تماشای چشمان تو نپردازند، همه‌ی این‌ها برای من به اندازه‌ی بال پشه‌ای ارزش ندارند»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۵۲؛ نمازی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۴۴۰)

۱- ۲- ۱- ۳- روایت کردن حدیث: روایت کردن حدیث نیاز به هوش و حافظه‌ای قوی دارد. نام مبارک حضرت خدیجه به جهت داشتن این ویژگی در زمره بانوان راوی حدیث ذکر شده است. (کلابادی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۳۵)

۲- ۲- ۲- آگاهی از آموزه‌های ادیان الهی

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) گفت و شنودهایی با مسیحیان و اهل کتاب داشت، مانند پسر عمویش «ورقه بن نوفل» که از دانشمندان مسیحی بود، و اطلاعات وسیعی به کتاب‌های آسمانی و بشارت‌های آن کتاب‌ها به ظهور پیامبر آخرالزمان داشت، و همچنین از خواب‌هایی که خدیجه (سلام الله علیها) شخصاً دیده بود، اطمینان به ظهور وی داشت، و در این راستا دریافته بود که پیامبری در مکه ظهور می‌کند و خورشید وجودش عالمتاب خواهد شد، از این رو جزء منتظران چنان ظهوری بود، تا در پرتو آن، نابسامانی‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه سامان یابد، و مردم از آلوده‌گی‌های جاهلیت نجات یابند. از این رو از پسر عمویش ورقه، در مورد نشانه‌های آن پیامبر به طور مکرر سؤال می‌کرد. (الحلی شافعی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۴)

در حقیقت او با کمال آگاهی و خردمندی با حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ازدواج نمود و سالهای سال از وجود با برکت آن حضرت کسب فیض کرد تا اینکه به درجات عالی علم و دانش ارتقا پیدا کرد. از این رو ملقب به «فاضله» شد.^۲ (حائری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۳۲)

۲- ۳- پاکدامنی

خدیجه (سلام الله علیها) طبق سنت قبیله‌اش، خود را با اخلاق حمیده آراست و با درایت و پاکدامنی رشد کرد. فضائل اخلاقی وی در آن محیط آلوده، زبانزد خاص و عام بود. به واسطه‌ی اینکه کارهای زنان دوره‌ی جاهلی

۱. این تعبیر همانند آن است که ما می‌گوییم یک تار موی تو را به همه‌ی عالم نمی‌دهم.
 ۲. علی هذه المرأة الجلیلة النبيلة الاصلیة العقیلة الكاملة العاقلة الباذلة العالمة الفاضلة العابدة... .

را انجام نمی‌داد و از همه‌ی آلودگی‌ها پاک بود، یعنی این بانوی گرامی حتی پیش از بعثت و نزول قرآن نیز پاک‌روش و پاک‌منش می‌زیست. از این رو به «طاهره» معروف بود. «كَأَنَّ تَدْعِي قَبْلَ الْبَعْتِ، الطَّاهِرَةُ» (العسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۹۹)

دو عامل و خصیصه مهم که منجر به انتخاب روشی پاک برای زندگی می‌شود عبارت است از «حیاء و عفاف» که بانو، خدیجه کبری واجد هر دو بود.

۲-۳-۱- حیاء

ویژگی «حیاء» از سویی انسان را به کسب ارزش‌ها و انجام نیکی‌ها و رعایت مقررات اجتماعی برمی‌انگیزد و از سوی دیگر مانع مهم روانی برای قانون شکنی و قانون گریزی و قانون ستیزی است. پیامبر درباره‌ی بازدارندگی روانی «حیاء» از ستم و گناه و خودکامگی و زشتکاری می‌فرمودند: «الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ الْفِعْلِ الْقَبِيحِ؛ شرم و حیاء، انسان را از کارهای زشت باز می‌دارد» (التیمی الآمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷۴)

اگر این ویژگی انسانی نبود، نه حرمت میهمان در جامعه رعایت می‌شد، و نه احترام عهد و پیمان‌ها، نه کسی به امانتها بها می‌داد، و نه به وفا و وفاداری و آزادگی و بشردوستی، و نه کسی به رعایت مقررات افتخار می‌نمود و نه از ستم و بیداد دوری می‌جست و نه از گناه و زشتی اعلام بیزاری می‌کرد.

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در زندگی خود همواره از آفریدگارش حیاء و پروا می‌کرد، و خدا پرستی و مردم خواهی، آراستگی به ارزش‌ها و پیراستگی از نقاط منفی را سرلوحه زندگی خود قرار داده بود.

۲-۳-۲- عفاف

حضرت خدیجه دارای ویژگی ارزشمند «عفاف» بود، از این رو آن حضرت ملقب به «عفیفه» شد، و برخوردار از زیبایی و جمال باطنی گردید. «... و کانت تدعی فی الجاهلیه باطاهره لشدۀ عفافها» (الحمیری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۱۸۷؛ زرقانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۳ و ۱۹۹)

«عفت» به معنی خودداری از حرام و به اضافه آن، خودداری از درخواست از مردم است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۹۲) از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «عافل عفت پیشه می‌کند و ثمره عفت قناعت می‌باشد». (التیمی الآمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۲۸) در حقیقت، زن با عفت خود می‌خواهد بگوید به همان حریمی که در جمیع خانواده و فامیل شکل داده، قانع است و نمی‌خواهد از آن حریم بگذرد.

حیاء و عفاف خدیجه کبری بود که او را در سراسر حجاز به «طاهره» شهره کرد و الگوی زنان پاکدامن قرار داد.

۲-۴- نواندیشی و نوگرایی (بصیرت و اندیشه‌ی ژرف)

خدیجه (علیها السلام) نه مانند زن عادی و معمولی آن روز جامعه عرب، به گوشه‌گیری و انزواگزینی ظالمانه و تحمیلی تن سپرده بود و نه همچون زنان اشراف، شب‌نشینی‌ها و اسارت‌ها و خفت‌ها و بردگی جنسی زن اشرافی مکه و حجاز را به رسمیت می‌شناخت. او به آیین بت‌پرستی رایج بها نمی‌داد و سخت منتقد و مخالف آن بود. با پویایی فکر و اندیشه خود به تجارت می‌پرداخت و از این راه، بر مال حلال خویش می‌افزود، بر اقتصاد جامعه، خون مفید و ثروت سالم تزریق می‌کرد، گروهی را به خاطر همراهی با کاروان بزرگ خویش اداره می‌کرد، نیازهای متنوع مردم به کالا و وسایل زندگی را برطرف می‌ساخت و بهتر و مطلوب‌تر از همه به ندای آزادمنشی و آزادی‌خواهی و ستم‌ستیزی خویش با روزگارش پاسخ می‌داد. (خصائص، ۱۳۹۳ش، ص ۴۵۸-۴۵۶)

۲-۵- عاطفی بودن

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در ابعاد گوناگون انسانی، شخصیتی والا و ارزشمند داشت، از جمله اینکه دارای شخصیت ممتاز عاطفی بود، و مهر و محبت ویژه‌ای به خانواده، کارگزاران خود و مستضعفان داشت.

۲-۵-۱- کارگزاران

خدیجه بنت خویلد صاحب شرف و منزلت، زنی تاجره، و مالدارترین قریش بود.^۱ (طبری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵) او مال خود را برای تجارت به مردم مضاربه می‌داد و قسمتی از سود آن را به کارگزاران خود هدیه می‌داد. (اریلی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص: ۷۳) محمد امین که یکی از کارگزاران او بود در این باره می‌فرماید: «ما رأیت من صاحبه لأجیر خیراً من خدیجه ما کنا نرجع انا وصاحبی الاً وجدنا عندها تحفه من طعام تخبأه لنا؛ من

۱. کانت خدیجه یومئذ أوسط نساء قریش نسبا وأعظمهن شرفاً وأكثرهن مالا.

کارفرمایی بهتر از خدیجه ندیدم، هر وقت که من و دوستم پس از کار نزد او می‌رفتیم، می‌دیدیم که غذایی گوارا برای ما آماده کرده و به ما هدیه می‌کرد». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۹-۱۰؛ الرازی الدولابی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹)

از نمونه‌های دیگر سخاوت خدیجه کبری می‌توان پانزده سال قبل از بعثت را یاد کرد؛ هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با خدیجه (سلام الله علیها) ازدواج کرد، حلیمه سعیدیه مادر رضاعی محمد امین، روزی به مکه نزد محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد و از قحطی و خشکسالی آن سال شکایت کرد، حضرت این موضوع را با خدیجه (سلام الله علیها) در میان گذاشت، و خدیجه کبری چهل گوسفند و شتر به حلیمه سعیدیه بخشید، او با شادمانی به سوی خاندانش بازگشت، سپس بعد از طلوع اسلام، حلیمه و شوهرش به مکه آمده و مسلمان شدند.^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۴۰۱)

همچنین خانه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، پیوسته پناهگاه امن یتیمان و درماندگان محسوب می‌شد و او همواره به مستمندان رسیدگی می‌کرد و فقرا از او بهره‌مند می‌شدند. (خصائص، ۱۳۹۳ش، ص ۵۴۱)

۲-۵-۲- همسری مهربان

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به همسر خویش مهر و محبتی وافر داشت؛ چنانکه وقتی پیامبر (ص) را می‌دید، عرضه می‌داشت: «یا سیدی یا حبیبی، ای سرور و نور چشم من، به خدا سوگند که تو محبوب منی، همه مال و قوم و خویشان من فدای تو باد، تو از همه آنان پیش من عزیزتری»^۲ (البکری، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۲۹۴) او بهترین انیس و قوی‌ترین مددکار روز سختی برای پیغمبر بود. همواره در شتاند و دشواریهای اسلام موجب تسلی خاطر پیغمبر گردید و از بذل مال خود دریغ نمی‌داشت و با آن قدرت مالی و شهرت مقامی که داشت، با زجر و تهدید و تبعید شوهر ساخت، لذا رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) بسیار او را دوست می‌داشت. (ابن طاووس، ۱۳۷۴ش، ص ۴۴۲)

۱. أن حلیمة قدمت علی رسول الله بمكة و قد تزوج بخدیجة فثکت إليه جذب البلاد و هلاک الماشیة فکلم رسول الله خدیجة، فأعطتها أربعین شاة و بعیرا، وانصرفت إلى أهلها، ثم قدمت علیه بعد الاسلام فأسلمت هی و زوجها.
 ۲. قالت خدیجة إنما تهنینی بسلامتک یا سیدی و یا قره عینی و الله أنت حبیبی و أعز عندی من المال و الأهل و الأقارب و أحب إلى من ذلک.

۲-۵-۳- مادری دلسوز

حضرت خدیجه یک مادر دلسوز و مربی آگاه برای فرزندان خود بود. ماجرای زیر بیانگر این ویژگی حضرت خدیجه می باشد:

در ایام بیماری خدیجه (سلام الله علیها)، که به مرگ وی انجامید، روزی اسماء بنت عمیس به عیادتش آمد، او خدیجه را گریان و ناراحت مشاهده کرد، و به او دلداری داده و گفت: تو از بهترین زنان عالم محسوب می شوی، تو تمام اموالت را در راه خداوند بخشیدی، تو همسر رسول گرامی اسلام هستی، و آن حضرت بارها تو را به بهشت بشارت داده است. با این همه چرا گریان و نگران هستی؟

خدیجه فرمود: اسماء! من در فکر این هستم که دختر هنگام زفاف، نیاز به مادر دارد، تا نگرانی ها و اسرارش را به مادر بگوید، و خواسته هایش را به عنوان محرم اسرار مطرح نماید، کوچک است، می ترسم که کسی نباشد که متکفل کارهای وی در هنگام عروسی شود، و برایش مادری کند.

اسماء بنت عمیس گفت: ای بانوی من! نگران نباش من با تو عهد می کنم که اگر تا آن موقع زنده ماندم به جای تو برای فاطمه (سلام الله علیها) مادری کنم، و نیازهای روحی و عاطفی وی را برطرف نمایم.^۱ (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۰۶)

خدیجه نه تنها برای فرزندان خود بلکه برای علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیز مادری می کرد؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)، علی (علیه السلام) را که شش سال داشت تحت سرپرستی خود قرار داد. خدیجه و پیامبر، علی (علیه السلام) را پرورش داده و تحت نظارت دقیق تربیتی خود بزرگ نمودند تا آن هنگام که خورشید اسلام طلوع کرد.

۲-۶- جمال ظاهری و باطن

امام حسن مجتبی (علیه السلام) که به شهادت تاریخ در زیبایی ظاهر و باطن سرآمد همگان بوده اند، در رابطه با تفسیر آیه ۸ سوره انفطار «فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ» فرمود: «آن گاه که خدای توانا، طرح آفرینش را افکند

۱. کنت حضرت وفاء خدیجه فبکت خدیجه عند وفاتها فقلت لها أتبکین وأنت سیده نساء العالمین وأنت زوجة النبی ص ومبشرة علی لسانه بالجنه. فقالت: ما لهذا بکیت ولكن المرأة لیله زفافها لا بد لها من امرأة تفضی إليها بسرها وتستعین بها علی حوائجها وفاطمه حدیثه عهد بصبا وأخاف أن لا یکون لها من یتولی امرها حینئذ قالت أسماء بنت عمیس فقلت لها یا سیدتی لک عهد الله علی ان بقیت إلى ذلك الوقت ان أقوم مقامک فی ذلك الأمر.

و انسان‌ها را آفرید، علی (علیه السلام) را از پدرش ابوطالب، در سیما و منش، شبیه‌ترین فرد به رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) آفرید و حسین (علیه السلام) را شبیه‌ترین فرد به فاطمه (سلام الله علیها) و من در سیما و منش، شبیه‌ترین فرد به جدی گرانمایه ام، خدیجه کبری (سلام الله علیها) هستم.^۱ (قمی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۴، ص ۱۶۵)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) مال و جمال و کمال را یکجا داشت، و این صفات سه گانه هرگاه در یکجا جمع شوند، به زن، آثاری از عظمت و بلندی مقام می‌دهند، و خدیجه (سلام الله علیها) نیز این چنین بود. «... وَكَانَتْ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ جَمَالًا، وَ أَكْمَلَهُنَّ عَقْلًا، وَ أَتَمَّهُنَّ رَأْيًا، وَ أَكْثَرَهُنَّ عِفَّةً وَ دِينًا وَ حَيَاءً وَ مَرُوءَةً وَ مَالًا؛ خدیجه در زیبایی زیباترین زن و از نظر خرد و اندیشه، خردمندترین و اندیشمندترین آنان بود. او در پاک‌روشی و پاک‌منشی، دین‌باوری و خداجویی، وقار و حیاء و عترت و آزادگی آراسته‌ترین‌ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان به شمار میرفت» (محلّاتی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۰۴؛ حائری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۳۲)

۳- خدیجه (سلام الله علیها) همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

خدیجه (سلام الله علیها) نخستین زنی بود که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایمان آورد و نماز خواند. (ابن طاووس، ۱۳۷۴ش، ص ۴۴۲) پیامبر درباره او می‌فرمود: «خیر نساء الجنّة خدیجه بنت خویلد» بهترین زنان بهشت خدیجه دختر خویلد است. (مسلم بن حجاج، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۸۸۶) و بدین ترتیب یکی از چهار زن بهشتی نام گرفت.^۲ (ابن بابویه، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۹۶)

بلندای مقام خدیجه (سلام الله علیها) آنچنان است که خداوند به وسیله جبرئیل به وی سلام فرستاد و او را پاداش عظیم وعده داد. از این رو درگذشت خدیجه برای پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مصیبتی بزرگ بود زیرا خدیجه وزنه زندگی رسول خدا بود و به احترام خدیجه (سلام الله علیها) بسیاری به پیامبر احترام می‌کردند، یا متعرض او نمی‌شدند. به اعتراف تمام فرق اسلامی یک رکن پیشرفت اسلام بر دوش خدیجه بود و در اثر خدمت و فداکاری او پیغمبر توفیق حاصل کرد و به همین جهت به حق لقب «ام المؤمنین» به خود گرفت. (ابن

۱. قال: صورّ الله عليّا (عليه السلام) في ظهر أبي طالب على صورة محمد، فكان عليّ بن أبي طالب أشبه الناس برسول الله، و كان الحسين بن عليّ أشبه الناس بفاطمه (سلام الله علیها) و كنت أشبه الناس بخدیجه الكبرى.

۲. رسول خدا بر زمین چهار خط کشید و فرمود: میدانید این چیست؟ گفتند خدا و رسولش دانانند، فرمود: بهترین زنان بهشت چهارند، خدیجه دختر خویلد؛ فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم زن فرعون.

طاووس، ۱۳۷۴ش، ص ۴۴۳ و ۴۴۲) و جدوی بهترین بندگان خدا (حسنین علیهما السلام) شد. (دیلمی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص: ۴۱۷)

خدیجه (سلام الله علیها) آنچنان پیامبر را اطاعت و همراهی می کرد که مانند مریم، مائده آسمانی برایش نازل می شد. چنانچه نقل شده است، روزی جبرئیل بر پیامبر نازل شد و ظرفی از بهشت آورد که طعام و شراب بهشتی بود. و گفت: ای رسول خدا این مائده برای خدیجه است. از طرف پروردگارش و من، به او سلام برسان و به او مژده بده به یک قصری در بهشت که در آنجا سر و صدا و مشقت نیست.^۱ (مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۸۷)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در سال دهم بعثت رحلت کرد و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آن سال را عام الحزن نامید و فرمود: «به سوی خوبی و پاکی بشتاب! تو بهترین و برترین زنان عالمینی».^۲ (اخطاب خوارزم و سماوی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۵۲) خدیجه (سلام الله علیها) به عنوان اولین همسر رسول خدا چه قبل از بعثت و چه بعد از آن، نقش مؤثری در پیشبرد اهداف پیامبر داشت و در این راه رنج و سختی فراوانی را تحمل نمود، و همواره همراه و پشتیبان او بود.

۳-۱- قبل از بعثت

خدیجه قبل از بعثت با امین عرب، محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله وسلم) ازدواج کرد.^۳ بدین ترتیب سرنوشت او با سرنوشت امتی گره خورد و خداوند به دست او فرستاده خویش را در سخت ترین شرایط ممکن یاری و مساعدت کرد.

۱. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ، فَإِذَا هِيَ أُنْتَكِ، فَأَقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا عَزَّ وَجَلَّ، وَمِنِّي، وَبَشَّرَهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ، لَأَصْحَبَ فِيهِ وَكَلَا نَصَبَ.
۲. فبَكَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَدَعَا لَهَا، ثُمَّ قَالَ لَهَا: «أَقْدَمِي خَيْرَ مَقْدَمٍ يَا خَدِيجَةُ! أَنْتِ خَيْرُ امْهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَفْضَلُهُنَّ، وَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.»

۳. علامه مجلسی سه نقل در رابطه با ازدواج خدیجه کبری آورده:

الف - تزوج رسول الله خدیجه و هو ابن خمس وعشرين سنة.

ب - یومئذ ابنة ثمانی وعشرين سنة.

ج - كانت خدیجة قبل أن يتزوج بها رسول الله عند عتيق ابن عائذ بن عبدالله بن عمرو بن مخزوم، ثم خلف عليها بعد عتيق أبوها هاله هند بن زرارة التيمي

۳-۱-۱- در اختیار گذاشتن اموال

اولین اقدام خدیجه (سلام الله علیها) بعد از خواندن خطبه عقد در اختیار گذاشتن اموال، حتی خانه خود، به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بود و به ایشان عرض کرد: «الی بیتک فیبتی و انا جاریتک؛ به سوی خانه خود بیایید که خانه من خانه شما و خودم خدمتکار شمایم.» (قمی، ۱۳۴۴ق، ج ۲، ص ۵۶۷) پس از ازدواج نیز، برای جلوگیری از تحقیقات مردم که محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را یتیم و تهیدست می خواندند، عموی خود ورقه بن نوفل را فرستاد، تا با صدای بلند بگوید: ای عرب بدانید، خدیجه شما را شاهد می گیرد که خود و همه ثروتش از غلامان و کنیزان، املاک دامها، مهریه و هدایایش را به محمد بخشیده و این کار به خاطر علاقه و محبت او به محمد است.^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۷۱) این تصمیم بزرگ زبان طعن و استهزاء را برید و جامعه را به نفع محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و پیامی که از طرف خداوند خواهد داشت، آماده کرد، و بدین صورت خداوند پیامبر خود را با اموال خدیجه (سلام الله علیها) غنی ساخت.^۲ (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۶۷) این بذل مال از روی هوا و هوس نبود، بلکه او در چهره و رفتار امین عرب آینده ای درخشان و ممتاز می دید به همین جهت به محمد عرض کرد: «یا ابن عم اینی قد رغبت فیک لقرابتک و سبطک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک ثم عرضت علیه نفسها؛ ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندیت با من، شرف و امانتداریت در میان قوم خود و به جهت اخلاق نیک و راستگوییت به تو تمایل پیدا کردم.» (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۳۵) و با بذل مال در راه محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) این را اثبات کرد.

۳-۱-۲- فراهم کردن وسایل برای فراق روحی از مسائل جانبی

خدیجه (سلام الله علیها) که از طریق کتب دینی و علماء انتظار نبوت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را داشت، تمام شرایط را برای ایشان فراهم می کرد تا محمد فارغ از مسائل جانبی به برنامه های خود برسد. از جمله برنامه های حضرت، عبادت در غار حرا بود. این غار در کوهی نزدیک مکه قرار داشت که مسیری صعب العبور داشت و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) غذا و نوشیدنی برای همسرش فراهم و سختی رساندن طعام با وجود

(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۰) قول اول و دوم صحیح تر به نظر می رسد هر چند کمتر مطرح می شود. برای اطلاعات بیشتر به سایت زیر مراجعه شود. <https://fa.shafaqna.com/news/۱۸۴۷۶>

۱. یا معاشر العرب إن خدیجة تشهدکم علی أنها قد وهبت نفسها و مالها و عبیدها و خدمها و جمیع ما ملکت یمینها و المواشی و الصدق و الهدایا لمحمد ص و جمیع ما بذل لها مقبول منه و هو هدیة منها إلیه إجلالا له و إعظاما و رغبة فیہ.

۲. «و وَجَدَكَ عَائِلًا» أي فقیرا لا مال لك «فَأَغْنِي» أي فأغناک بمال خدیجة.

ارتفاع کوه را را تحمل می‌کرد، و اوقاتی را در حرا همنشین ایشان می‌شد. به همین جهت جبرئیل نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد و عرض کرد: «يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ، فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ، فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا عَزَّ وَجَلَّ، وَمِنِّي، وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ، لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبٍ؛ این خدیجه است که برای تو طعام و نوشیدنی می‌آورد، پس زمانی که آمد سلام ما را به او برسان و او را به خانه‌ای در بهشت بشارت بده.» (مسلم بن حجاج، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۸۷ و احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۴۰، ص ۳۵۹)

قبل از بعثت، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به خلوت و انزوا گرایش بیشتری یافت. اندیشه‌های عمیق درونی، ناسازگاری محیط و فاصله روحی‌اش با مردم، روز به روز بیش‌تر می‌شد؛ گویا مکه و اجتماع آن، روحش را می‌آزرد. (نصیری رضی، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۸۳) در طول سال، بارها به کوه‌های اطراف مکه و غار حرا می‌شتافت و این امر در ماه رمضان به اوج می‌رسید.^۱ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۲۰۸) با توجه به آگاهی خدیجه (سلام الله علیها) از میزان علاقه پیامبر به عبادت، امور منزل را طوری مرتب می‌کرد که ایشان به راحتی به عبادت بپردازد و با درک روحیات پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نه تنها برای او مزاحمتی ایجاد نمی‌کرد، بلکه همیشه هم‌دل و همراه او بود.

۳-۲- بعد از بعثت

وقتی جبرئیل از جانب خداوند مقام نبوت را به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) اعلام کرد، وی از غار حرا به خانه آمد و ماجرا را با خدیجه (سلام الله علیها) در میان گذاشت. خدیجه که منتظر چنین لحظه‌ای بود،^۲ (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ۱۳۶۸ش) گفت: «امیدوار بودم که روزی رهبر خلق و پیغمبر این مردم شوی.»^۳ (ابن هشام الحمیری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۲۳۸) در آغاز راه دعوت به اسلام مخفیانه بود و هنوز امر به ابلاغ عمومی نشده بود. به همین جهت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تنها افراد خاص و مورد اعتماد را از نبوت خود با خبر می‌کرد، از جمله آنها حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بود.

۱. أنه كان يجاور في حراء من كل سنة شهرا.

۲. ولد نوفل بن أسد: ورقة بن نوفل بن أسد، الشاعر صاحب العلم في الجاهلية، و كان قد قرأ الكتب و تبخر في التوراة و الإنجيل، و هو الذي لقيته خديجة في أمر النبي صلى الله عليه و آله وسلم، و وصفته له فبشرها بنبوته.

۳. فوالذي نفس خديجة بيده إني لأرجو أن تكون نبي هذه الأمة.

۳-۲-۱- در زمان بعثت و دعوت مخفیانه

خدیجه (سلام الله علیها) در همان روزهای اول بعثت، نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را تأیید و تصدیق نمود و از سبقت گیرندگان در ایمان بود.

۳-۲-۱- ۱- ۱- تأیید و تصدیق نبوت: در سالهای جهل و گمراهی مردم، میزان خطرات پذیرش اسلام به حدی بود که مدتها رسول خدا (ص) و حضرت خدیجه اسلام خود را پنهان می داشتند، تا دستور اعلان آن رسید. (کلینی، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۲۶۹) طبق اتفاق مسلمین خدیجه (سلام الله علیها) اول زنی است که به خدا و فرستاده اش ایمان آورده و او را تصدیق کرده است. (کلینی، ۱۳۸۲ ش، ج ۲، ص: ۲۷۴)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به عنوان یکی از زنان شاخص آن عصر، آنچنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را تأیید و تصدیق می کرد که رسول خدا ایشان را «صدیقه امت اسلامی» نامید.^۱ (ابن مغازی، ۱۴۲۷ ق، ج ۱، ص ۲۹۹ و ابن کثیر، بی تا، ج ۲، ص ۶۲) حضور خدیجه کبری در کنار نبی خدا به زنان آن عصر نوید روزگاری بهتر و به رسمیت شناختن حقوق زنان را می داد و نقش مؤثری در گرایش بانوان به اسلام داشت، به طوری که اولین شهید راه اسلام، بانویی به نام سمیه بود.

۳-۲-۱- ۲- سبقت در ایمان: حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در روزگاری به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان آورد که بسیاری از صحابه ایشان را تکذیب کرده و نسبت ساحر، جادوگر و مجنون به ایشان می دادند. در این شرایط ایمان خدیجه (سلام الله علیها) آن قدر ارزشمند بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «خدا شاهد است خدیجه زنی بود که چون همه از من رو بر می گردانیدند، او به من رو می کرد و چون همه از من می گریختند، خدیجه به من محبت و مهربانی می کرد چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند، خدیجه به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد.» (ابن طاووس، ۱۳۷۴ ش، ص: ۴۴۳)

یحیی بن عقیف از پدرش روایت کرده پیش از آنکه پیغمبر اکرم امر نبوت را اظهار کند من با عباس بن عبدالمطلب نشسته بودیم. اول ظهر جوانی آمد رو به کعبه ایستاده و به نماز مشغول شد. بلافاصله جوان دیگری آمد بطرف راست او ایستاده و زنی هم آمد پشت سر آنها به نماز مشغول شد، جوان به رکوع رفت، آنها هم اقتدا کرده با وی برکوع رفتند، به سجده رفت، آنها هم سر به سجده گذاردند. من به عباس گفتم: امر عظیمی مشاهده میکنم. گفت: آری چنانست که میگوئی. میدانی این جوان کیست؟ این جوان محمد پسر برادر من، و پدرش عبد

۱. «هذه صدیقه اُمّتی».

اللّه بن عبد المطلب است و این جوان دیگر نیز علی بن ابی طالب است و این زن خدیجه دختر خویلد است. محمد می گوید: پروردگار او که خدای آسمانها و زمین است او را به این دینی که هم اکنون بدان توجه دارد، مأمور داشته و سوگند بخدا بجز این سه نفر متدین به این دین نمی باشند. (مفید، ۱۳۸۰ش، ص ۳۱)

همچنین مجلسی نقل می کند: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، خدیجه را نزد خود خواست و فرمود: این جبرئیل است و می گویند: «برای اسلام شروطی است؛ اول؛ اقرار به یگانگی خدا، دوم؛ اقرار به رسالت پیامبر، سوم؛ اقرار به معاد و عمل به اصول و مهمات شرع، چهارم؛ پیروی از روش وصی من و برائت از دشمن او». خدیجه (سلام الله علیها) نیز به آن ها اقرار کرده و از سبقت گیرندگان به اسلام بود. (مجلسی، ۱۳۹۷ ق، ص: ۵۲۹) و با سبقت در پذیرش نبوت همسرش مصداق آیات «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص: ۴۱۲) و «وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ»^۲ (حسکانی، ۱۳۸۰ش، ص: ۲۳۶) شد.

۳-۲-۲- دعوت خویشاوندان و عموم مردم

بعد از نزول آیه انذار^۳ و امر به دعوت خویشاوندان، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) چهل تن از خویشاوندان خود را به خانه خدیجه (سلام الله علیها)، که در اختیار ایشان بود، دعوت کرد و خدیجه نیز در فراهم کردن امکانات برای استقبال از مهمانان و تهیه غذا یاری رسان پیامبر بود، و در این بیت نورانی، علی به عنوان وصی و جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) معرفی گردید. بعد از آن امر به دعوت عمومی شد.

۳-۲-۲-۱- تبلیغ دین: در این دوران حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به سبقت گرفتن در اسلام اکتفا نکرده و در جهت تبلیغ و ترویج دین در میان مردم تلاش های فراوانی داشت. ایشان با تبلیغات زبانی و عملی در نشر، رشد و شکوفایی دین، همسو با همسر خود شده و از بذل مال و جان و آسایش خود دریغ نداشت. ایشان همواره به معرفی و بازگو کردن کمالات روحی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می پرداخت و با عبارات کوتاه مقام بلند رسالت را به دیگران گوشزد می کرد؛ مانند روزی که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برای زن نابینایی که نزد خدیجه (سلام الله علیها) حضور داشت، دعا کرد؛ که برای تو دو چشم سالم باشد، و زن بینا شد.

۱. واقعه (۵۶)، آیه ۱۰ و ۱۱. يَقُولُ اللَّهُ: «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» رَسُولُ اللَّهِ ص وَ خَدِيجَةُ وَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ وَ ذُرِّيَّاتُهُمْ تَلْحَقُ بِهِمْ. (تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۴۱۲)

۲. و زندگانی مانند علی علیه السلام، حمزه، جعفر، حسن، حسین، فاطمه، خدیجه علیهم السلام، با زندگانی کفار مکه (الأموات) برابر نیست.

۳. شعراء (۲۶)، آیه ۲۱۴؛ «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ».

خدیجه (سلام الله علیها) عرض کرد: این دعا مبارک است، و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز فرمود: «و ما ارسلناک الا رحمة»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۱۷) همچنین از اقدامات عملی خدیجه کبری، نماز خواندن ایشان در کنار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و مولا علی (علیه السلام) در مسجد الحرام بود (مفید، ۱۳۷۷ش، ص: ۵۱۲ و کراچکی، بی تا، ج ۱، ص: ۳۰۶) که موجب جلب توجه بازرگانان، حاجیان، مردم و به خصوص زنان بود، که این حرکات به چه معناست؟ این سه نفر چه می کنند؟ آیا به دین جدیدی گرایش پیدا کرده اند؟ این چه دینی است که زنان نیز در آن سهیم اند و با احترام در کنار مردان به عبادت می پردازند، تا بدین گونه با دین جدید اسلام آشنا شوند.

۲-۲-۲-۳- حمایت های روحی و عاطفی: در راه پر فراز و نشیب رسالت، خدیجه (سلام الله علیها) همواره تسلی بخش خاطر پیامبر بود. از جمله:

۱-۲-۲-۲-۳- کاستن نگرانی از برخورد مردم: وقتی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مبعوث شد، نگران برخورد مردم و عدم پذیرش از جانب آنها بود. خدیجه (سلام الله علیها) همواره او را دلداری داده و با نگاهی احترام آمیز می گفت: «شاد باش و پایدار، به خدایی که جان خدیجه (سلام الله علیها) در دست او است، من امیدوارم که تو پیغمبر این امت باشی»^۲ (ابن کثیر، بی تا، ج ۳، ص ۱۲) خدای متعال تو را خوار نخواهد کرد تو با خویشان نیکی می کنی، راست می گویی، رنج می بری، از مهمان پذیرایی می کنی، و از زحمت در راه حق باک نداری» (ابن هشام، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۲۳۸) و این گونه با برطرف کردن غم و اندوه و تبدیل آن به نشاط، مقوم قلب مبارک رسول الله بود. تا جایی که رسول خدا فرمود: «سپاس خدا را که اطعام کرد و لباس پوشاند و خدیجه را همسرم قرار داد و من عاشق او بودم»^۳ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۰۱)

۲-۲-۲-۲-۳- تسلی برای آزار دشمنان: بعد از علنی شدن دعوت، بت پرستان و مشرکان، رسول خدا را تکذیب کرده و به دشمنی با ایشان برخاستند، به طوری که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «ما أودى نبيٌ بمثل ما أوديت؛ هیچ پیامبری مثل من آزار ندید.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۹، ص ۵۶) ولی تا خدیجه (سلام الله علیها) زنده بود، ایشان را دلداری داده و نگرانی را از ذهن و خاطر ایشان می زدود، همیشه همراه و همدل پیامبر اکرم

۱. وَ كَانَ عِنْدَ خَدِيجَةَ امْرَأَةٌ عَمِيَاءُ فَقَالَ ص لِتَكُونَنَّ عَيْنَاكِ صَحِيحَتَيْنِ فَصَحَّتَا فَقَالَتْ خَدِيجَةُ هَذَا دُعَاءُ مُبَارَكٍ فَقَالَ وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً.

۲. فَقَالَتْ: أُبَشِّرُ يَا بَنَ عَمِّ وَابْتَ، فَوَالَّذِي نَفْسُ خَدِيجَةَ بِيَدِهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَنَّ نَبِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ.

۳. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي الْخَمِيرَ، وَالْبَسَنِي الْحَرِيرَ، وَزَوَّجَنِي خَدِيجَةَ، وَكُنْتُ لَهَا عَاشِقًا».

بود و امر قریش را بر وی آسان می نمود. (اربلی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۷۷) خدیجه (سلام الله علیها) نه تنها به عنوان همسر، بلکه به عنوان کسی که می توانست پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را با آن روح بزرگ درک کند، موجب آرامش ایشان بود و این آرامش، روزی الهی بود.

۳-۲-۲-۲-۳ تسلی برای وفات فرزندان: پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در فراق فوت دو فرزند خود یعنی قاسم و عبدالله غمگین بودند، به طوری که در وفات قاسم به کوهی که کنار جنازه او بود، رو کرده و فرمود: «ای کوه! آنچه بر من در مورد مرگ قاسم وارد شده، اگر بر تو می آمد، متلاشی می شدی.»^۱ (یعقوبی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۳۲) حضرت خدیجه (سلام الله علیها) برای کم کردن این غم، اقدام به خرید «زید بن حارثه» کرد.^۲ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۷۰) و در سخت ترین شرایط روحی با دلداری به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و زدودن گرد و غبار اندوه از دل ایشان، گامی دیگر در راه حمایت از رسول خدا برداشت.

۳-۲-۲-۳ شعب ابی طالب

بعد از اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رسماً مردم را به دین اسلام فراخواند، مشرکان که خود را در خطر می دیدند، هر چه تلاش کردند، نتوانستند پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را از راهش منصرف کنند. در اقدامی دیگر تصمیم گرفتند، مسلمانان را در محاصره اقتصادی و اجتماعی قرار داده، و آنان را در منطقه ای به نام شعب ابی طالب محصور کردند. در این دوران سخت و جانکاه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) مانند همیشه نقش موثری در پیشبرد اسلام داشت.^۳ (بحرانی، بی تا، ج ۱، ص ۸۳)

۳-۲-۲-۱-۳ صبر و تحمل سختی: حضرت خدیجه (سلام الله علیها) می دانست اگر از حمایت همسرش دست بردارد، او نیز از خشم و غضب کفار مکه در امان نیست. ایشان که تاکنون در ناز و نعمت زندگی کرده و در قبیله خود جایگاه والایی داشت به جرم حمایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تحریم شد، و با بقیه مسلمانان زندگی در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در شعب ابی طالب را بر آسایش و آرامش خود ترجیح داد، و از جانب خداوند به مقام رضا و خشنودی رسید. (مجلسی، ۱۳۷۷ش، ص: ۴۰)

در این ایام حضرت با وجود کهولت سن، سختی هایی از قبیل گرسنگی، گرمای هوا و آزار و اذیت مشرکین را تا سر حد مرگ تحمل می کرد تا جایی که روزه روز ضعیف تر شده و در بستر بیماری افتاد، ولی باز از

۱. توفی القاسم ابن رسول الله، فقال و هو فی جنازته، و نظر إلى جبل من جبال مكة: یا جبل لو أن ما بی بک لهدک.

۲. وَكَانَ زَيْدُ بْنُ حَارِثَةَ لِحَدِيحَةَ قَوْهَبَةَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَعْتَقَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

۳. نهوه أن یبیع من بنی هاشم شیئا، و یحذرونه إن باع شیئا أن ینهبوا ماله، و کانت خدیجة لها مال کثیر، فأنفقته علی رسول الله

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) عذر تقصیر می خواست. از این رو پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: « هرگز از تو تقصیری ندیدم و تو نهایت تلاش خود را به کار بردی، و در خانه من بسیار خسته شدی.»^۱ (حائری، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۳۴)

۳-۲-۲-۲-۲- بذل مال: همان طور که اموال با برکت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) قبل از بعثت یاری رسان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بود، بعد از بعثت نیز در جهت اهداف پیامبر اکرم خرج می شد، ولی بیشترین نمود را در شعب ابی طالب داشت.

در دوران تحریم، مسلمانان برای فراهم کردن غذا و مایحتاج خود به سرمایه نیاز داشتند و بهترین منبع تأمین سرمایه، اموال پر برکت خدیجه بود، به طوریکه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «هیچ مالی مانند مال خدیجه به من سود نرساند.»^۲ (بحرانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۸) در این مدت اموال خدیجه (سلام الله علیها) صرف تأمین شترهایی با بار گندم و خرما می شد که با شگردهای مختلف به آنان می رسید. با اینکه این اموال مایه عزت و پایداری مسلمانان گردید و در مقابل آن انفاق، چیزی طلب نکرد، و از پیامبر نخواست که در قوانین اسلامی و امور مربوط به قوانین و احکام، جانب ثروتمندان یا زنان را بیشتر در نظر بگیرد. (حکیمی، ۱۳۸۰ش، ج ۵، ص: ۳۷۹)

ثروت این بانوی بهشتی حتی بعد از رحلت او نیز یاری رسان اسلام بود و آخرین بخش از دارایی خدیجه (سلام الله علیها) توسط علی ابن ابی طالب صرف سفر هجرت به مدینه شد. (پژوهشگران قم، بی تا، ص ۸) خدیجه کبری (سلام الله علیها) در سال دهم بعثت رحلت کرد و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آن سال را عام الحزن نامید و فرمود: «به سوی خوبی و پاکی بشتاب! تو بهترین و برترین زنان عالمینی.» (اخطب خوارزم و سماوی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۸)

۱. فأنی قاصرة فی حَقِّ فأعفنی یا رسول الله (ص) قال رسول الله: حاشا وکلا ما رأیت منک تقصیرا فقد بلغت جهدک و تعبت فی داری غایة التعب ولقت بذلک أموالک و صرفت فی سبیل الله جمیع مالک.

۲. ما نفعنی قطّ ما نفعنی مال خدیجة (علیها السلام).

نتیجه گیری

با بررسی برخی از وجوه شخصیتی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) می توان دریافت که ایشان از سطح بالایی از درک و درایت برخوردار بود. همین امر باعث شد تا خود را از برخی زنان و حتی مردان هم عصر خود جدا کرده و به دنبال درک حقیقت باشد. ظهور آخرین نبی که طبق آموزه های مسیحیت و یهودیان از منتظران آن بود؛ به همین جهت پاک می زیست؛ تا شاید لایق دیدار موعود باشد، و وقتی نمود حق را در محمد امین یافت همه جانبه به خدمت او شتافت.

خدیجه (سلام الله علیها) در سخت ترین شرایط حامی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود، در اثر خدمت و فداکاری او پیغمبر توفیق حاصل کرد؛ چرا که وی وزنه زندگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود. به احترام خدیجه (سلام الله علیها) بسیاری به پیامبر احترام می کردند، یا متعرض او نمی شدند. حضور وی در کنار نبی خدا به زنان آن عصر نوید روزگاری بهتر و به رسمیت شناختن حقوق زنان را می داد و نقش مؤثری در گرایش بانوان به اسلام داشت. همچنین خدیجه (سلام الله علیها) با بذل اموال خود، باعث حفظ یاران اسلام در مقابل دشمنان و زمینه ساز شکوفایی اسلام بود، خدیجه (سلام الله علیها) هیچگاه نخواست که در قوانین اسلامی و امور مربوط به قوانین و احکام، جانب ثروتمندان یا زنان را بیشتر در نظر بگیرد و با قرار دادن خانه خود به عنوان دار الانذار، از وصی و جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله) حمایت کرد. بنابراین می توان گفت: خدیجه کبری (سلام الله علیها) هم در اصلاح عقیدتی، هم در اصلاح اخلاقی و هم در ایجاد قسط و عدل در جامعه، همراه و پشتیبان رسول خدا بود.

این حمایت عمیق و همه جانبه نمی توانست تنها به جهت عشقی، زمینی باشد، بلکه ریشه در اعماق شخصیتی والای خدیجه کبری داشت. او در خانواده ای شریف و تحت شرایطی مطلوب بزرگ شده بود؛ خانواده ای که حق پذیر و حق جو بود، و دغدغه حمایت از ستمدیدگان را داشت. خدیجه (سلام الله علیها) مانند خاندان خود از آیین توحیدی ابراهیم (علیه السلام) تبعیت می کرد و از آموزه های ادیان الهی مطلع بود و در تجارت مهارت داشت، به همین جهت در نهایت آگاهی و درایت دست به معامله ای پرسود زد. از همه چیز خود گذشت تا با همراهی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، لایق سلام خدا باشد.

شاید بتوان گفت آنچه خدیجه را خدیجه کرد تنها برخورداری از اموال و اوصاف نیکو و تن ندادن به فرهنگ جاهلی نبود، بلکه بهره جستن از آنها در مسیر حق بود؛ آنچنان که خداوند اموال خدیجه (سلام الله علیها) را به خود نسبت داده و به پیامبرش فرمود: «ما تو را فقیر یافتیم و بی نیاز کردیم». او از اموال و موقعیت اجتماعی خود گذشت تا همه جانبه از همسرش به عنوان پیام آور وحی حمایت کند و با اطاعت همه جانبه از نبی خدا،

گوهر وجودی خود را آنچنان درخشان کرد که از برترین زنان بهشتی نام گرفت و الگوی فرا زمانی و مکانی برای تمام حق جوینان عالم شد؛ چرا که به اعتراف تمام فرق اسلامی یک رکن پیشرفت اسلام بر دوش خدیجه (سلام الله علیها) بود.

منابع

منابع فارسی

• قرآن کریم، ترجمه فولادوند.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۷)، **الخصال**، مترجم: کمره‌ای، محمدباقر، چاپ: اول، تهران: کتابچی و ترجمه فهری زنجانی، احمد، چاپ اول، تهران: علمیه اسلامیة.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۴)، **الطرائف**، مترجم: الهامی، داوود، چاپ دوم، قم: نوید اسلام.
۳. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۲)، **کشف الغمه**، مترجم: زواره‌ای، علی بن حسین، چاپ سوم، تهران: انتشارات اسلامیة.
۴. پژوهشگران حوزه علمیه قم، مجله حوزه، زندگینامه حضرت خدیجه (س)، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۵. تهرانی، حسین، (۱۳۹۳)، **خصائص ام المؤمنین خدیجه الكبرى (س)**، چاپ سوم، قم: طویای محبت.
۶. حسکانی، عبید الله بن عبد الله، (۱۳۸۰)، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، مترجم: روحانی، احمد، چاپ اول، قم: دار الهدی.
۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۵)، **حضرت خدیجه (س) بانوی نمونه اسلام**، ۲۷/۰۳، کد خبر ۴۰۴۷۲۹، ۰۸:۰۶.
۸. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، (۱۳۸۰)، **الحیاء**، مترجم: آرام، احمد، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۳۷۷)، **إرشاد القلوب**، مترجم: رضائی، سیدعبدالحسین، چاپ سوم، تهران: اسلامیة.
۱۰. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵)، **فروغ ابدیت (تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم)**، قم: بوستان کتاب.

۱۱. فقیهی، زهرا، (۱۳۸۷)، مفهوم شخصیت در قرآن، دانشگاه اصفهان، گروه الهیات، کارشناسی ارشد.
۱۲. کرمی فریدنی، علی، (۱۳۸۳)، فروغ آسمان حجاز خدیجه (س)، چاپ دوم، قم: نسیم انتظار.
۱۳. کراجکی، محمد بن علی، (بی تا)، ترجمه کتاب کنز الفوائد و التعجب، مترجم: کمره‌ای، محمدباقر، چاپ اول، تهران: چاپخانه فردوسی.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۲ق)، الروضة من الکافی یا گلستان آل محمد، مترجم: کمره‌ای، محمدباقر، چاپ اول، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۵. _____، (۱۳۷۵)، أصول الکافی، مترجم: کمره‌ای، محمدباقر، چاپ سوم، قم: اسوه.
۱۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۳۹۷ق)، شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت (ع)؛ (ترجمه جلد ۶۵ بحار الأنوار)، مترجم: تهرانی، علی، چاپ اول، تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر.
۱۷. _____، (۱۳۷۷)، زندگانی حضرت زهرا (س)؛ (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، مترجم: نجفی، محمدجواد، چاپ اول، تهران: اسلامیة.
۱۸. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۸۵)، ریاحین الشریعه فی أحوال النساء الشیعه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۱۹. مفید، محمد بن محمد، (۱۳۷۷)، الفصول المختارة للمفید، مترجم: آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، چاپ اول، قم: انتشارات مؤمنین.
۲۰. _____، (۱۳۸۰)، الإرشاد للمفید، مترجم: ساعدی خراسانی، محمدباقر، چاپ اول، تهران: اسلامیة.
۲۱. نصیری رضی، محمد، (۱۳۸۹)، تاریخ تحلیلی اسلام، چاپ شصتم، قم: نشر معارف.

منابع عربی

۲۲. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغة، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
۲۳. ابن المغازلی الواسطی، (۱۴۲۷)، مناقب أهل البيت (ع)، چاپ اول، قم: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الإسلامیة-المعاونیة الثقافیة، مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیة.
۲۴. ابن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی، أبو عبد الله أحمد بن محمد، (۱۴۲۱)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعیب الأرنؤوط، عادل مرشد، وآخرون، الطبعة الأولى، الناشر: مؤسسة الرسالة.
۲۵. ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل، (بی تا)، البدایة والنهایة، ادار إحياء التراث العربی.

۲۶. النیسابوری المعروف بابن البیع، أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه بن نُعیم بن الحکم الضبی الطهمانی (المتوفی: ۴۰۵هـ)، (۱۴۱۱ق)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الطبعة: الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۷. أبو نصر البخاری الکلاباذی، أحمد بن محمد بن الحسن بن الحسن، (۱۴۰۷ق)، الهدایة والإرشاد فی معرفة أهل الثقة والسداد (رجال صحیح بخاری)، المحقق: عبد الله اللیثی، الطبعة الأولى، بیروت: دار المعرفه.
۲۸. البکری، أحمد بن عبد الله، (۱۴۱۵ق)، الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار فی مولد النبی المختار، چاپ اول، قم: نشر شریف الرضی.
۲۹. اخطب خوارزم، موفق بن احمد، سماوی، محمد، (۱۴۲۳ق)، مقتل الحسين علیه السلام، چاپ دوم، قم: انوار الهدی.
۳۰. الاربلی، أبی الحسن علی بن عیسی بن أبی الفتح، (۱۴۰۱ق)، كشف الغمة فی معرفة الأئمة (ع)، بیروت: الأئمة دار الاضواء.
۳۱. الأمين الحسينی العاملی الشقرائی، السيد محسن بن عبد الکریم، (۱۴۰۳ق)، أعیان الشیعه، إعداد: الأمين، السيدحسن، الطبعة الخامسة، بیروت: دار التعارف.
۳۲. البحرانی، السيد هاشم، (بی تا)، حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار (ع)، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۳۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، محقق: رجائی، سیدمهدی چاپ دوم، قم: دار الکتب الإسلامی.
۳۴. الحائری، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، شجرة طوبی، الطبعة الخامسة، النجف: المكتبة الحیدریه.
۳۵. الحلبي الشافعی، أبو الفرج، (بی تا)، السیرة الحلبیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۶. الرازی الدولابی، أبی بشر محمد بن أحمد، (بی تا)، الذریة الطاهرة، المحقق: الحسينی الجلالی، السيد محمدجواد، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۷. زرقانی مصری مالکی، ابو عبد الله محمد بن عبد الباقي بن یوسف، (۱۴۱۷ق)، شرح المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة (ص)، تحقیق: خالدی، محمد عبد العزیز، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

۳۹. الطبری، ابن جریر، (بی تا)، تاریخ الامم الملوک، بیروت: الناشر دار التراث.
۴۰. عبدالملک، ابن هشام، (۱۳۷۵ق)، السیره النبویه معروف به سیره ابن هشام، تصحیح: مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالوفاق.
۴۱. العسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد ابن حجر، (۱۴۱۵ق)، الإصابة فی تمييز الصحابه، تحقیق: عبد الموجود، عادل، أحمد معوض، علی محمد، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، العین، تحقیق: مخزومی، مهدی، سامرائی، ابراهیم، قم: مؤسسه دارالهجره.
۴۳. قمی، عباس، (۱۳۴۴ق)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار الأنوار، قم: اسوه.
۴۴. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، چاپ سوم، قم: دار الکتب.
۴۵. قمی مشهدی، محمدرضا، (۱۴۲۳ق)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قم: دار الغدیر.
۴۶. مجلسی، محمداقبر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار (ط - بیروت)، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۷. مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری (المتوفی: ۲۶۱هـ)، (بی تا)، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۸. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۹. نمازی شاهرودی، علی، (۱۴۱۹ق)، مستدرک سفینه البحار، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۰. الواقدی المعروف بابن سعد، محمد بن سعد کاتب، (۱۹۶۸م)، الطبقات الکبری، المحقق: إحسان عباس، الطبعة الأولى، بیروت: دار صادر.
۵۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۷۹ق)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.